

# سهم تمدن و فرهنگ ایران در

## گسترش میراث‌های فرهنگی

### سایر ملل

بحث در باب این موضوع کار ساده‌ای نیست. زیرا اگر بخواهیم رؤوس مسائلی را که در طول تاریخ حداقل دوهزار و پانصد ساله در این زمینه وجود داشته بیان کنیم باید اذعان کرد که مثنوی هفتادمن کاغذ میشود. حالا ملاحظه فرمائید که چگونه مجال گفتگو در باب مسائلی از این تمدن خواهد بود که مربوط به ادوار پیش از هخامنشیان و در زمان‌هایی باشد که حفريات و کاوشها در این پنجاه سال اخیر در ایران بدست آمده و بسیاری از تاریکیهای تاریخ اقوام قدیمی را که در ایران زیست میکردند روشن ساخته است بخصوص که انعکاس این تدابیر در جلوه‌های مختلف تمدن اقوام دیگر خود موضوع بحثی جداگانه خواهد بود.

باینجهات و کیفیات است که در این مقال فقط به سهم ایران در گسترش میراث‌های فرهنگی مربوط بدوره هخامنشیان و ساسانیان و ادوار بعد از اسلام اشاره میشود آنهم اشاراتی بس کوتاه و ناچیز برای تذکر و یادآوری اینکه وقتی میگویند ایران ما زمان‌هایی طولانی مشعل - دار تمدن جهان بوده است سخنان گزافه نبوده بلکه واقعیاتی است که سخن مورخان غربی اعم از یونانی، رومی، ارمنی و جز آنها و همچنین کتیبه‌ها و مدارك و اسناد موجود دره وزدها گواههای صادق مدعا هستند.

در حال برای اینکه چنین گفتاری با آنهمه اهمیت در این فرصت بسیار کوتاه فوق‌العاده پراکنده و بی‌سامان نباشد ناچار بحث را بدو دوره بزرگ پیش از ظهور اسلام و پس از آن تقسیم میکنیم.

#### الف - دوره پیش از اسلام

تا جائیکه تاریخ زندگانی بشر شناخته شده بنابه ادعای بسیاری از مورخان و باستانشناسان و شرقشناسان هیچ قوم و ملتی شرقی مانند ایرانیها تا این حد در باختر زمین موثر نبوده و در متشکل ساختن و ایجاد تمدن و فرهنگ بشریت سهمی چنین بزرگ نداشته‌اند.

نخستین بنیانگزار شاهنشاهی ایران و راد مردی که بنا بقیده مورخان قدیم، از جمله



هردوت آقای تمام آسیا خوانده میشد کوروش کبیر بود کز نفون مورخ دیگر کوروش را شاهنشاه بزرگ ایده آلی خود میدانند و تمام افکار عالیه حکومت با تدبیر و علاقه مند به رفاه و آسایش ملتها را در او متجلی می بینند و میگویند: کوروش خوشگل خوش اندام جوینده دانش، بلند همت با محبت و رحیم بود و رنجها را متحمل میشد و حاضر بود با مشکلات مقابله کند، کوروش دوست عالم انسانیت و طالب حکمت و قوی الاراده و راست و درست بود .

بی مناسبت نیست که یهودیها او را منجی و مسیح موعود میخوانند و در بابهای مختلف، تورا از او به نیکنامی یاد میشود.

پس از آن از داریوش کبیر و دیگر شاهنشاهان آن سلسله میتوان به تفصیل بیشتر سخن گفت زیرا آنهمه آثار زیبا و جاویدیکه در دوره هخامنشیان توسط شاهنشاهان آن سلسله ایجاد شده همه ناشی از ایمان و اعتقادی بوده است که آن نیک مردان به پیروزی نهائی نیکی و راستی بر بدی و دروغ داشته اند ، این هخامنشیان بودند که در دنیای قدیم آبادانی کردند ، درخت نیکی نشانیدند و نهال دشمنی را برکنند و آب درجائی که نبود رسانیدند سدها بستند ، قنوات احداث کردند ، راهها و ترعهها بوجود آوردند ، مدارس و دارالعلمها ساختند و باغها و نباتات خوب و محصولات خوبتر ایجاد نمودند ؛ در نتیجه پرستش اهورا مزدا و پرورش حیوانات خوب او را در سرتاسر زمینهای وسیع و پهناور ترویج نمودند، از جمله انواع تدابیر مربوط بایرانیان که در دیگر نقاط موثر افتاده و مورد تقلید دیگر اقوام قرار گرفته مسائل زیر است:

۱- چنانکه کلیه مورخان معتقدند قنات يك اختراع بسیار مدبرانه ایرانی است که از دوره های بسیار قدیم در ایران معمول بوده همانطور که پولی بیوس مورخ یونانی از آن یاد کرده است ، این ابداع ایرانی بهترین و هوشمندانه ترین راه برای آبیاری و حاصلخیز کردن جلگه های است که دورادور آنرا کوه قرار گرفته باشد ، این فکر در دنیای قدیم در بسیاری از سرزمین های متمدن و چنانکه میگویند در بعضی از نقاط شمال افریقا تقلید شده است و نیز نوشته اند که در املاک پادشاهان اردن که در دره رود معروف اردن واقع است از آن استفاده میشده است ؛ پس این نوع آبیاری و کشف درختان میوه در نقاط مناسب و همچنین جلوگیری از قربانی کردن انسانها از مظاهر تمدن ایران بوده است که در دیگر نقاط انتشار یافته .

۲- نه تنها رفتار پادشاهان هخامنشی موجب جلب قلوب ملت های تابعه و ایجاد محبت میشد و تساهل و مدارای عجیب شهریاران هخامنشی اقوام مغلوب را در نحوه حکومت داخلی و دین و آداب خود آزاد میگذاشت بلکه این دین مزدائی بود که میخواست روح و جسم مومنان را پاک نگه دارد و وظیفه اصلی ایرانیان را بر آن میداشت در باب آنچه را که زندگی دارد و جزء مخلوقات خوب و آفریده اهورا مزدا است پشتیبانی کنند درختان مفید غرس نمایند؛ چشمه سارها بوجود آوردند، بیابانها و صحراها را آباد کنند باشد که در همه جا عناصر زنده مثبت و پاک بچشم بخورد و در همه اطراف جهان حکومت ارومزد مستقر گردد .



شاید این همان روحی بود که موجب صدور اعلامیه حقوق بشر در زمان کوروش کبیر گردید و پادشاهان ایران را بران میداشت که حقوق و آزادی ملل تابعه را محترم شمارند در این زمینه شاعر معروف قرن نهم جامی گفته است:

گرچه بدزاتش پرستی دینشان  
بود عدل و راستی آئینشان  
قرنها ز ایشان جهان معمور بود  
ظلمت ظلم از رعا یادور بود

۳- یکی از مظاهر تمدن ایرانی که در دیگر کشورها موثر افتاده و در ادوار بعد و حتی در حال حاضر تا حدودی مورد تقلید قرار گرفته است تقسیم مملکت به بیست ایالت و یا ساتراپی بوده است که در دوره هخامنشیان بآن (خسترپاون و بعدها شهربان) می گفته اند.

داریوش اولین شاهنشاهی بوده است که سیستم حکومت فدراتیو (اتحادیه) را معمول داشته او استانداران (شهربانان) را در اداره امور داخلی آزاد می گذاشته؛ حتی اجازه میداده است که با ممالک همجوار مبادلات تجاری برقرار کنند خسترپاونها چنانکه معلوم شده فقط از نظر سیاست خارجی و نظامی تابع حکومت مرکزی بودند، این استانداران از میان اشراف و اصیل زادگان انتخاب میشدند و برای تمام عمر بمقام استانداری منصوب میگرددند و در قلمرو خود بر مقامات عالیله نظامی و غیر نظامی حکمفرمائی داشتند، داریوش کبیر توانسته بود تسلط خود را بر این افراد از طریق اعزام بازرسان مخصوص (چشم و گوش شاه) اعمال نماید؛ همچنین روش ارتباطات و چاپارخانه سریع و منظم داریوش این تسلط را عملی میساخت.

دوران جانشینان اسکندر و پارتها با اینکه طولانی بود و بیش از پانصد سال ادامه داشت دوره ای است که هنوز کلیه جهات و مشخصات آن روشن نشده و اگر حفاریات و نوشته های مورخان ارمنی و رومی صرف نظر کنیم و بتواریخ مورخان اسلامی و شرقی اکتفا نمائیم بایستی بفردوسی شاعر ملی خود حق بدهیم که گفته است.

اذا یشان بجز نام نشینده ام  
نه در نامه خسروان دیده ام

حکومت طولانی پارتها از یک طرف بعقل جنکها و هم ارتباط فراوان تجاری با امپراطوری روم و روابط معنوی با اقوام غربی فریفته مظاهر عالی تمدن یونانی گردیده بود، تمدنی که وسیله اسکندر و جانشینانش در دنیای قدیم گسترش یافته و خود محو شده ولی همه جهانیان آن روزگار را بخود مجذوب نموده بود حکومت پارت نیز بعلمت عدم توجه با آداب و رسوم ایرانی و تکیه بر سنن چادر نشینی از ایرانیان بریده و با آداب و رسوم یونانیان پیوسته بود و این جمله مانع گسترش مظاهر تمدن ایران شده بود، بهمین جهت ساسانیان توانستند از این بی اعتنائی پارتها استفاده کنند و با توجه بعلائق ایرانیان وبخصوص با تکیه بمذهب زردشت امپراطوری هخامنشی وعظمت گذشته را تجدید نمایند و چون این دوره با روزگار ما وبخصوص با عصر نویسندگان اسلامی نزدیکتر بوده است بسیاری از مظاهر معنوی آن دوران بدوران اسلامی منتقل گردیده و حفظ شده است، ترجمه کتب بسیار از زبان پهلوی عبری وهمچنین بجای ماندن قسمتی از کتب آن عصر نیز موجب جاویدان شدن آثار معنوی



آن تمدن و تعمیم و گسترش آن در جهان اسلام و سپس سایر نقاط جهان گردیده است .  
۴ - در همین زمینه است که مورخان قید کرده اند عادات ایرانیان در زمان ساسانیان  
یعنی مبادله عیدی در زمان نوروز همچنین اسب سواری و تفریحات دیگر در دوران اسلام در  
کوچه‌های مصر و عراق ادامه داشته و در روزهای این جشن کارناوال‌های پرهیا هو در همه  
جا برآه میافتاده در همین زمان قبطیها یعنی مردم مصر آن روزگار جشن ایرانی نوروز را  
برپای داشته و بنام (نیروز) اجراء میکرده‌اند .

بجز در حکومت عباسیان که بطور قطع بسیاری از آداب و رسوم ایرانی بسبب نفوذ  
ایرانیان در دستگاه خلافت معمول و مجری بوده در ادوار بعد یعنی در دوره پادشاهان مملوک  
مصر در حدود قرن هفتم و هشتم هجری رؤساء ادارات در مصر القاب و عناوین ایرانی داشته‌اند  
و علائم خاصه شغل خویش را حمل میکرده‌اند فی المثل اصطلاح دوا در که تحریف شده کلمات  
دوات دار است که در حقیقت منشی مخصوص سلطان بوده و رئیس قراولان خاصه در ابتدا کمائی  
برشانه داشته و جامه دار باشی که اول جامه‌دانی در اختیار داشته و متصدی میدان چوگان بازی  
که اوائل چوگانی با خود حمل میکرده همه از آداب و رسوم رایج در ایران میبوده است  
رفته رفته خود این اشیاء بکنار گذاشته شده علائم و شکل آنها بر روی لبه یقه یا سینه رؤسای  
مذکور دوخته میشده است نوشته‌اند که علائم صنفی نیروهای نظامی دنیا از همین جا سرچشمه  
گرفته است ، زیرا اروپائیان در جنگهای صلیبی این فکر را از ارتش ممالیک اقتباس کرده‌اند  
و بباختر زمین برده‌اند .

نکته دیگر آنکه با اعتقاد بسیاری از مورخان علائم صنفی کشورهای مختلف ناهای  
فارسی داشته و اصطلاح رنگ که در انگلیسی بدسته‌های مختلف گفته میشود و در فرانسه  
(ران) باکاف غیر ملفوظ در آخر ، همین مقصود را میرسانده از کلمه رنگ فارسی  
مشتق شده است همین اصطلاح در دوره ممالیک بصنف و دسته اطلاق میشده چوگان بازی که  
بازی اشرافی ایرانی بوده است در زمان پادشاهان ممالیک مصر معمول بوده بطوریکه پس از  
طغیان نیل هر روز شنبه سه دور چوگان بازی میکرده‌اند اینها و هزاران پدیده دیگر رایج در  
جهان منبعث از رسوم و آداب و مظاهر مختلف تمدن ایران پیش از اسلام بوده که در ادوار بعد  
توسط اقوام و ملل دیگر مقبولیت عام پذیرفته است .

### ب - دوران بعد از اسلام

اساساً کشورداری ساسانیان در میان رهبران اقوام عرب معروفیت و اشتهار افسانه‌وار  
عجیبی داشته است و بسی روشن است که این ایرانیان بوده‌اند که فنون سیاست و مملکتداری  
و اداره امور عمومی را به اعراب آموخته و این وزیرای ایرانی بوده‌اند که مسائل پیچیده  
مملکتی را با سرانگشت تدبیر حل کرده‌اند، در این زمینه مدارک و اسناد فراوان و بی‌شمار  
است بحدیکه بعضی از خاورشناسان مدعی شده‌اند که حکومت بنی‌العباس یک حکومت ایرانی  
بوده و همان ادامه حکومت ساسانی بوده که دین اسلام اختیار کرده و به زبان عربی گفتگو  
می‌نموده‌اند، لیکن تقلید از آداب و رسوم ایرانی و گسترش میراث‌های مادی و معنوی ایرانیان



و همچنین نفوذ فراوان عنصر ایرانی بحدی شدید بوده است که در دوره عباسیان چیزی از از عرب جز مفاخرت به اسلام و اصل و نسب نمانده و حتی مسأله ارثی شدن خلافت و دائر کردن مراسم درباری مراسم ایرانیان از امور بسیاری عادی جلوه میکرده است.

جرجی زیدان نویسنده و مورخ معروف عربی زبان در اینباره نوشته است :

عباسیان پایتخت را از دمشق به عراق منتقل کردند تا به دوستان و یاران خود (ایرانیان) نزدیک باشند و چون دانسته بودند که علت عمده شکست امویان ستیزه جوئی و آزار ایرانیان بوده لذا عباسیان سپاهیان و همکاران نزدیک خود را از میان ایرانیان برگزیدند و در عین حال دولشکرا از قبیله ربیع و مضر (از اعراب) باقی گذاردند و کوشش بسیار نمودند که میان عرب و عجم سازش دهند، اما سعی آنان بجائی نرسید، ناچار از عربها کناره گیری کردند و به ایرانیان مایل گشتند و مانند آنان کلاه قلسوه (کلاه ایرانی) بر سر گذاردند و سپاهیان خود را مجبور کردند کلاه بر سر بگذارند عربها از این پیش آمد خشنود نبودند و ابراز کراهت کردند اما مخالفت آنان نتیجه نداشت چنانکه در سال ۱۵۳ هجری منصور عباسی فرمان داد گماشتگان و ملازمان وی کلاههای بلند ایرانی سر بگذارند.

بعضی از خاورشناسان تقلید آداب و رسوم و سنتهای ایرانی را در میان ملل و اقوام دیگر مربوط به اصل مشترك نژادی هند و اروپائی تعبیر کرده و گفته اند که میهمان داری و میهمان نوازی و برپا ساختن جشن تولد در نتیجه علائق مشترك اقوام اولیه هند و اروپائی بوده است در صورتیکه این نظر صحیح بنظر نمی رسد بعکس ظن غالب بر اینست که این آداب و رسوم ناشی از مجموعه فرهنگ و تمدن ملتی بزرگ بوده است که در دوران هخامنشی و پارتی و ساسانی صاحب اقتدار و نفوذ فوق العاده گردیده و به گسترش مظاهر تمدن خود در جهان آن روز پرداخته و همچنین بسیاری از آداب و رسوم خود را از ملل مغلوب اقتباس کرده و در آنها جرح و تعدیل نموده اند و این جرح و تعدیل خود خصیصه ای ارزنده محسوب میشود، بسیاری از آداب و رسوم خود را نیز به دیگران انتقال داده و یا خود عامل انتقال این مظاهر بوده و یا اینکه ملل دیگر این مظاهر را انتخاب و اقتباس کرده اند.

### تلاش ایرانیان در رشته های مربوط به علوم و فنون

از نمودارهای مظاهر عالی تمدن ایرانی چهره های بزرگ و درخشان علمای مختلف در دورانهای دور و نزدیک از سرزمین ایران بوده است که اگر بخواهیم فقط نام و اثر هر یک از این بزرگان را بر شماریم از حوصله این مقال بیرون خواهد بود، کتب تاریخی و ادبی ما در دورانهای بعد از اسلام در این زمینه مالا مال است، در اینجا فقط بی مناسبت نیست که بنا بر نوشته چند تن از مورخان و محققان غیر ایرانی استناد کنیم و به خدمات علمی و هنری بعضی از رجال ایرانی اشارتی بنمائیم :

جرجی زیدان صاحب کتاب تاریخ تمدن اسلامی در این زمینه مینویسد :  
ابوریحان بیرونی نخستین کسی است که تسطیح کوره را استنباط نموده و در کتاب آثار الباقیه خود آن را شرح کرد بیرونی در هیأت ریاضیات مطالب عمده استنباط کرده و همین مزیت برای وی کافی است که علوم یونانی زمان را به هندی و حکمت هندی را بعربی



## سهم تمدن و فرهنگ ایران ...

بقیه از صفحه ۶۶

انتقال داده است، بیرونی از دانشمندی است که به هند رفته و سالها در آنجا اقامت کرده است او موفق شد، با حکما و علمای هندی مربوط شود و فلسفه و حکمت یونانی را به آنان تلقین نماید، اینکار بوسیله بیرونی، نبوغ این مرد و ارزش محیطی که او را پرورده مدلل میدارد همانطور که خواجه نصیر طوسی علم نجوم را در میان مغولان و خیام هیأت را در میان سلجوقیان رواج داد، وجود این خردمندان است که ارزش فرهنگی میراث ایرانیان را برای جهان ثابت میکند.

پس از آنکه مسلمانان ایرانی رصدخانه‌های عالی تأسیس کردند و زیجه‌های منظم ترتیب دادند نام بلند هیأت شناسان اسلام در جهان پراکنده گشت و از دور و نزدیک به علمای اسلام مراجعه شد، پادشاهان فرنگ نه تنها به مسلمانان اندلس (اسپانیا) مراجعه میکردند بلکه برای حل مشکلات علمی خود به ممالک شرق اسلام نمایندگانی میفرستادند و در دنیای قرون وسطی و اوائل قرون جدید ارزش مساعی علمی ایرانیان در دانشگاههای اروپا احتیاج به استدلال ندارد، در قسمت فنون باید اضافه کرد که عربها آلات موسیقی را از ایرانیان و قبطیها و رومیها و هندیها فراگرفتند، همه ایرانیان عود و سنج و خراسانیان زنگ ۷ پرده و مازندرانها تنبور را مینواختند و به عربها آموختند، از جمله این سازها ساز معروف به قانون از مخترعات فارابی فیلسوف بزرگ اسلام است که تا کنون بهمان ترکیبات فارابی باقی مانده است.

نوشته‌اند فارابی ساز دیگری نیز اختراع کرده است که از چند چوب و سیم تشکیل میافت و همیکنه ترکیبات آن را تغییر میدادند صدایش عوض میشد چیز عجیبی بود شاید ذکر این افسانه بی تناسب نباشد که نوشته‌اند: او در بزم سیف الدوله وارد شد و سازندگان و نوازندگان انتقاد کرد سیف الدوله از وی پرسید مگر از موسیقی اطلاعی داری، فارابی ساز مشهور خود را از انبان بدر آورد سوار کرد و قسمی نواخت که همه گریستند. سپس آن ساز را پیاده کرد و طور دیگر سوار کرد و نواخت که همه خندیدند، آنگاه به شکل سوم در آورد و نوای تازه‌ای از آن بیرون آورد که همه در خواب شدند و او آواز مجلس بیرون شد. (صفحات تمدن اسلامی ۲۳ - ۶۲۴) در باب استادان علوم ایرانی داستانها نقل کرده‌اند، شهرت استادان معمولاً بستگی به تعداد شاگردانشان داشت، گاه استاد سواره حرکت میکرد و شاگردان پیاده بدنبال او راه می‌افتادند، مثلاً هر گاه فخرالدین خطیب رازی سوار می‌شد سیصد شاگرد از پیروانش پای رکاب او برآه می‌افتادند و هر گاه کتابی نزد استاد خوانده میشد شیخ آنرا امضاء میکرد و تصدیق مینمود که همه آن کتاب در خدمت او خوانده شده است ابواسحق شیرازی فارابی - محمد بن زکریا - فخر رازی - ابن سینا - غزالی از حیث زیادی شاگرد سرآمد استادان بودند و تمام طبقات مسلمان سیاه و سفید وزن و مرد بزرگ و کوچک میتوانستند تا آنجا که میلشان باشد تحصیل کنند، تحصیل هم میکردند و به عالیترین مقام معنوی و مادی میرسیدند، در حقیقت از این جهت هیچگونه امتیازی برای طبقه معینی وجود نداشت.

داستان دیگر را در باب نظام الملك و عات تأسیس مدارس نظامیه وی نقل کرده‌اند که گرچه بحقیقت نمی‌نماید ولی خالی از لطف نیست:



نوشته اند که یکی از اقدامات عاقلانه نظام الملك در دربار سلجوقیان تأسیس مدارس خانقاهها، مهمانسراها، مساجد و بیمارستانها بود، او برای کلیه طلاب علوم مقرری تعیین کرده بود از شام، دیاربکر، عراق، عجم، خراسان تا سمرقند عده کثیری از خوان احسان این وزیر با تدبیر نیکوکار ایرانی بهره مند می گشتند، چنانکه جمع مقرریهای او سالی ششصد هزار دینار می شد، فتنه انگیزان به سلطان ملکشاه گفتند که با این پولها میتوان لشکری آراست که قسطنطنیه را بکشاید، سلطان علت این کار را از نظام الملك توضیح خواست و او در جواب چنین گفت:

پسر جان من، تو شب و روز به شهوت رانی مشغول هستی نافرمانی تو نزد خدا خیلی بیش از فرمانبرداری تو است، سپاهیهایی که توبه آنان پشت گرم هستی تیر پر تاب آنها ۳۰۰ ذرع است و شمشیرشان به دارازی دو ذرع میرسد و مانند تو غرق عیش و عشرت میشوند و با ساز و آواز سر گرم اند. لیکن من برای تو سپاهیهایی گرد آورده ام که آن را سپاهیان شب میگویند. همینکه تو و سپاهیان شب بخواب میروید این لشکریان به شب زنداری برمیخیزند، دست راز و نیاز بدر گاه خدای چاره ساز بر می دارند، ترا از جان و دل دعا می گویند تو و سپاهیان از برکت دعای آنان خوش و خرم مانده اید، ملکشاه این حرف را پسندید و خاموش شد. (صفحات تمدن اسلامی ۸ - ۶۲۷)

روشن است که اگر بخواهیم سهم مربوط به تلاشها و کوششهای بزرگان ایرانیان و بخصوص شاهنشاهان بزرگ بعد از اسلام را در مورد گسترش دانش و جلوه های معنوی تمدن و همچنین کوشش در زمینه بسط هنر و فنون مختلفی را که آثار ارزنده و مستند آن هم اکنون زینت بخش موزه ها کتابخانه ها، آثار ساختمانی و معماری و زیب مساجد و مدارس است که چشم هنر شناسان و دانشمندان و خاورشناسان را خیره ساخته است تشریح کنیم متأسفانه بهیچوجه مجال نیست و لذا باید این نکته را در پایان ذکر کرد که این نظام شاهنشاهی و این روح بلند و ذوق سرشار ایرانی بوده است که بر اثر تشویق شاهنشاهان بزرگ در هر زمان مظاهری عالی و اعجاب انگیز بوجود آورده و جهان بشریت را از پر تو نورانی خود برخوردار ساخته است. امید است که در این رستاخیز ملی که بر هبری شاهنشاه دانش پرور ما بوجود آمده و محیط مساعدی که از جهات مختلف فراهم شده ایرانیان مجدداً در راه ترقی و تعالی گام بردارند و مصمم وارد مرحله تمدن بزرگ و گسترش یافته خود بشوند، همچنان که مقدمات این رستاخیز با اجرای مفاد انقلاب دوازده گانه از هم اکنون فراهم آمده است، در اینجا است که باید با اطمینان خاطر گفت: باش تا صبح دولتش بدمد.